

خبر

دادستان تهران خبر داد:

یاشارسلطانی آزاد شد

● **میزان:** ششمین جلسه آسیب‌های اجتماعی که به عفاف و حجاب اختصاص داشت روز چهارشنبه ۱۹ آبان، با حضور تعدادی از معاونان دادستان، هادیانفر، رئیس پلیس فتا، سردار ساجدی‌نیا، فرمانده پلیس تهران، تعدادی از فرماندهان پلیس، نمایندگان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با موضوع، به ریاست عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران برگزار شد و موضوع ماهواره و فضای مجازی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دولت‌آبادی درباره استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره، به دو مطلب شامل اصل ماهواره و جمع‌آوری تجهیزات آن اشاره کرد و با انتقاد از اظهارات برخی مسئولان که با ارائه آمار شیوع ماهواره در جامعه، اقدامات مقابله‌ای با این معضل را نفی می‌کنند، گفت: «برخی مسئولان با ارائه آمارهایی به طور مثال اینکه ۶۰ درصد مردم از ماهواره استفاده می‌کنند، درصدد نفی اقدامات پلیس و دادستانی در مقابله با ماهواره و جمع‌آوری تجهیزات آن هستند. این در حالی است که خرید، فروش، نگهداری و هر اقدام دیگری روی تجهیزات دریافت از ماهواره، مطابق قانون ممنوعیت به‌کارگیری این تجهیزات جرم تلقی می‌شود و پلیس در اجرای وظیفه ذاتی خود مکلف به جمع‌آوری تجهیزات ماهواره است.» او با تأکید بر اینکه توسعه و شیوع استفاده از ماهواره در جامعه به معنای تجویز نگهداری آن نیست، گفت: «مسئولان نباید مانع انجام وظیفه مأموران پلیس در مبارزه با جمع‌آوری تجهیزات ماهواره شوند». جعفری‌دولت‌آبادی با اعلام اینکه تبلیغات فیلم‌ها و کالاهای ایرانی در شبکه‌های ماهواره‌ای معاند ممنوع است، گفت: «مسئولان فرهنگی کشور باید دستورات قضائی دادستانی دراین‌زمینه را اجرا کنند». جعفری‌دولت‌آبادی ادامه داد: «دادستانی تهران برای مقابله با مفسدات اجتماعی برای مسدودکردن خطوط تلفن تبلیغ‌کنندگان کالا و فیلم‌ها در شبکه‌های ماهواره‌ای معاند، جمع‌آوری تجهیزات دریافت از ماهواره و توقیف اتومبیل‌هایی که در آن کشف حجاب می‌شود یا موسیقی‌های مبتذل پخش می‌شود یا برای مردم مزاحمت صورت می‌گیرد، دستورهای کتبی به پلیس ابلاغ کرده است.» او از تعقیب قضائی یکی از افرادی که در حوزه فرهنگ و سینما با اقدامات خلاف قانون و تأثیرگذاری برای مسئولان فرهنگی مرتکب اقدامات مجرمانه شده بود خبر داد و اعلام کرد: «این پرونده در دادرسی فرهنگ و رسانه تحت رسیدگی است؛ درحال‌حاضر، متهم با صدور قرار وثیقه آزاد شده است. دادستان تهران همچنین اعلام کرد با تکمیل تحقیقات پرونده یاشار سلطانی، نامبرده با تبدیل قرار تأمین آزاد شد.

ادامه از صفحه ۷

دستور ادادام وتلفن راقطع کردم

او ادامه داده بود: «شب خوابیدم و صبح که نماز صبح را خواندم همان برادر یا من تماس گرفت و گفت انجام شد و با موفقیت گرفتیمش و این واقعا برای من مثل یک پیروزی بزرگ بود و خدا را شکر کردم و در اولین فرصت خدمت همان دوستانمان رفتم که واقعا سربازان عکتمام امام‌زمان(عج) هستند و از آنها تشکر کردم، چون مسئولیت کار ما (ام شورای‌عالی امنیت ملی) بود و دیدم اگر بخوام بیشتر معطل کنم زمان از دست می‌رود و نیم ساعت بیشتر وقت نداشتیم حتی به آقای رئیس‌جمهور هم اطلاع ندادم و صبح که با ایشان تماس گرفتم، گفتیم ضمناً این کار هم انجام‌شده که ایشان هم خوشحال شد».

هیچ موشکی بدون مصوبه فرمانده کل قوا شلیک نمی‌شود

فیروزآبادی در ادامه این گفت‌وگو درباره آزمایش موشک «عماد» گفت: «شلیک «عماد» را حضرت آقا تصویب کردند. ببینید هیچ موشکی در این کشور شلیک نمی‌شود، مگر آنکه مصوبه فرمانده‌کل قوا را داشته باشد. موشکی ساخته می‌شود، وقتی آن موشک به مرحله تست می‌رسد، باید مصوبه از «آقا» گرفته شود که همان موشک تست شود. حتی برای شلیک باید از آقا اجازه گرفته شود، حتی برای شلیک در رزمایش‌ها هم باید از محضر رهبر انقلاب مجوز گرفت. ما صحبت می‌کند خوشش قوا را داشته باشد. موشکی ساخته می‌شود، وقتی آن موشک واقعا از نظر فنی درست ساخته شده و آیا جواب می‌دهد؟ از لحاظ سیاسی وقت مناسبی است یا خیر؟ اقتضات انقلاب اسلامی را دارد».

فیروزآبادی ادامه داد: «اینها در همان کمیسیون رای‌گیری می‌شود و آن تصمیم از طریق ستادکل گردش کار می‌شود و خدمت رهبری انقلاب می‌رسد و اگر «اجازه بفرمایند، آن کار انجام می‌شود و اجازه ندهند انجام نمی‌شود، حتی زمان شلیک را و این را که در چه زمانی شلیک شود نیز ایشان تعیین می‌کنند که این باید فلان وقت شلیک شود. موشک چیز ساده‌ای نیست، یک گلوله کلاشیکوف هم اشتباهی پرود، احتمالاً به کیوتری یا لوله بخاری یا چیزی می‌خورد؛ اما یک موشک اگر اشتباه پرود، بخشی از یک شهر را ممکن است ویران کند».

politics@shardaily.ir

حسین دهباشی برای مجموعه تاریخ شفاهی «خشت خام» سلسله گفت‌وگوهایی با برخی فعالان سیاسی انجام داده است.
چکیده گفت‌وگوی او با صادق زیباکلام را که در اختیار «شرق» قرار گرفته است، می‌خوانید:

● **الان وقتی برمی‌گردم به عقب‌به چه چیز صادق زیباکلام را صادق زیباکلام کرد، قطعاً انقلاب خیلی من را تکان داد و خیلی افراد دیگر مانند من را، مبارزات سیاسی، صادق زیباکلام مدتی زندان بود؛ قبل از انقلاب، زندانی سیاسی بود.**

● **باید اعتراف کنم برای اولین‌بار در عمرم که در زندگی‌ام برمی‌گردم به عقب، شاید مقطعی که بیشترین تأثیر را در ساختن صادق زیباکلام امروزی گذاشت، مقطعی بود که من برای دکتر ا رفته بودم و دوباره برگشته بودم به انگلستان؛ سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۹. آن شش، هفت سالی که من برگشتم به انگلستان و دکترایم را خواندم، نقطه‌عطفی بود؛ نقطه عطف تاریخی مهمی بود و واقعا من را از یک حالت به حالت دیگری درآورد.**

● **هشت سال در آموزش عالی انگلستان بود اما صادق زیباکلام آن‌قدر بی‌سواد و عقب‌افتاده بود که نمی‌دانست این دانشگاهی که هشت سال در آن است، چگونه می‌گردد؟ چه برسد به اینکه پارلمان مملکت انگلستان، چه کار می‌کند؟ نقاشش چیست؟ هیچ چیزی نمی‌دانستم، هیچ چیز. منتها من می‌گویم هیچ چیز نمی‌دانستم و باید اضافه کنم که ما هیچ چیزی نمی‌دانستیم!**

● **من در یک خانواده مذهبی ملی‌گرا تربیت شده بودم، دانشگاه شیراز قبول شده بودم؛ پهلوی شیراز که آن‌موقع، خب شریف امروز بود! آنجا قبول شده بودم ولی پدرم نمی‌خواست من ایران درس بخوانم، برای اینکه می‌ترسید و مطمئن بود اگر ایران درس بخوانم، وارد کارهای سیاسی می‌شوم. پدرم بعد از کودتای ۲۸ مرداد می‌گفت که به ما خیانت شد، در خودش هم بعد از ۲۸ مرداد تحول عظیمی به وجود آمد و سیاست را به کل و به اصل و به فرع گذاشت کنار. ولی خب به‌هرحال، رگه‌های سیاسی همچنان بود؛ شوهرعمرم به عضو حزب توده بود و بزرگ‌زمر، پدر و مادرم و...**

● **این ایراد را می‌گیرند که آقا تخصص شما چیست؟ شما چرا در این حوزه دخالت کردی؟ شما چرا در آن حوزه دخالت کردی؟ شما دربارۀ برق چراغ برق؟ عروسی صحبت کردی، راجع به عید نوروز صحبت کردی، راجع به فوتبال صحبت کردی، راجع به تیر چراغ برق صحبت کردی! معمولاً کسانی که این ایراد را می‌گیرند، خوششان از آن حرف نیامده! معمولاً از تیر چراغ برق ایراد گرفتند و آدم‌ها گفتند که آقا تیر چراغ برق؟ شما درباره تیر چراغ برق هم دخالت می‌کنید؟**

● **این سؤال مطرح می‌شود که چرا این‌قدر راجع به مسائل اظهارنظر می‌کنی؟ برای اینکه می‌آیند و از من می‌پرسند. به خدا، به پیر به پیغمبر من نمی‌خواهم راجع به مسائل اظهارنظر کنم، ولی**

خب می‌آیند و می‌پرسند که آقا شما راجع به تیر چراغ برق چه فکر می‌کنی؟ مشکل از اینجا شروع می‌شود که من هر نظری که راجع به تیر چراغ برق دارم، همان را صادقانه می‌گویم! نظری نمی‌دهم که فردی که دارد با من صحبت می‌کند خوشش بیاید، خب نظرم بوده است دیگر، حالا بدتان می‌آید، بدتان بیاید.

● **من یک بار گفتم کیف می‌کنم وقتی ایران می‌بازد در چیزهای بین‌المللی؛ از کشتی می‌بازد، در فوتبال می‌بازد، من کیف می‌کنم! بعد گفتند این را بگویم؟ گفتم بله، این را بگویند. هنوز که هنوز است، من را لعن و نفرین می‌کنند. منتقش هم این است که ما نژادپرستیم و از این پیروزی‌ها به نفع آن احساسات نژادپرستی‌مان و خودبرتربینی‌مان سواستفاده و بهره‌برداری می‌کنیم.**

● **وقتی در جام جهانی فوتبال، آرژانتین فقط توانست یک گل به ما بزند، بعد از اتمام بازی، ملت ریخته بودند در خیابان، تلویزیون یک آهنگ پخش کرد، در آهنگ پوریای ولی هست، کوروش هست، داریوش هست، علی‌بن‌ابیطالب هست، رستم هست، افراسیاب هست، فتح نمی‌دانم فلان چیز ایرانی‌ها هست، می‌نژادپرستی است! من ندیدم که انگلستان در مسابقه‌ای پیروز شود و در سرودی که پخش می‌کنند آهنگی که پخش می‌کنند، شکسیر را بیاورند، پیروزی انگلیسی‌ها را در جنگ داردانل بیاورند! شکست ناپلئون در واترلو را بیاورند، نیوتن را بیاورند.**

● **من با تک‌تک یاخته‌های بدنم لیبرال هستم؛ یعنی تک‌تک یاخته‌ها، سلول‌ها، کروموزوم‌ها، زن‌های بدن من لیبرال هستند، چون من محصول**

سیاست



زیباکلام بدون روتوش

از او دفاع می‌کردید، ما می‌گفتیم خاک بر سر تو روشنفکر بکنن که آمدی از اکبر هاشمی‌رفسنجانی داری دفاع می‌کنی! هم از تو حلالیت می‌طلبیم هم اگر آقای هاشمی را دیدی بگو ما را حلال بکنن، ما خیلی بد ایشان را گفتیم.

● **آقای هاشمی‌رفسنجانی مانند خیلی از آقایان دیگر بزرگ‌ترین سد راه توسعه سیاسی در ایران و بعد از انقلاب بودند. یکی از بیشترین، عمده‌ترین و گزنده‌ترین انتقادات من صادق زیباکلام به هاشمی‌رفسنجانی بود که در جنگ بزرگ‌ترین خدمت را به ایران کرد.**

● **آقای هاشمی‌رفسنجانی می‌دانید که اگر در سال‌های ۵۸ و ۵۹ در نماز جمعه مرگ بر بازگان گفتند، قدرت شما خیلی زیاد بود؛ آقای هاشمی، شما در نماز جمعه «زسه» را گرفته بودی و ایستاده بودی داشتی نماز جمعه می‌خواندی و جمعیت گفتند: مرگ بر بازگان! پیر خرفت ایران! شما خیلی ملایم گفتی حالا مرگ بر بازگان نگویم، ایشان خیلی مستحق این شعار نیستند! ولی باید خیلی محکم‌تر می‌ایستادی! چون اگر هیچ‌کس نمی‌دانست در آن نماز جمعه، اکبر هاشمی‌رفسنجانی می‌دانست مهندس مهدی بازرگان حافظ قرآن است، مهندس مهدی بازرگان شریف، پاک، متدین و وطن‌پرست است؛ آنها نمی‌دانستند؛ آنهایی که مرگ بر بازگان می‌گفتند، نمی‌دانستند؛ یکی اکبر هاشمی‌رفسنجانی می‌دانست و شما سکوت کردید**

آقای هاشمی!

● **بزرگ‌ترین انتقادی که به**

آقای هاشمی‌رفسنجانی وارد می‌کنم این است که بعد از ۲۲ بهمن که قدرت داشتی برای آزادی نایستادی! برای دموکراسی نایستادی! برای مطبوعات نایستادی! من معتقدم همان‌طور که صادق زیباکلام کشیده است، اگر اکبر هاشمی‌رفسنجانی می‌دانست و شما سکوت کردید

هاشمی‌رفسنجانی امروز که شهرویر ۹۵ است، از شهرویر ۷۵، از شهرویر ۶۵ و از شهرویر ۵۵ خیلی فاصله گرفته است؛ خیلی چیزها را فهمیده و خیلی چیزها را یاد گرفته! البته حالا دیگر این‌قدر به او نزدیک نیستیم که بدانم میزان دگرگونی‌شان چقدر است!

● **شما اگر سال ۶۵ به آقای هاشمی‌رفسنجانی می‌گفتی آزادی بیان، می‌گفتی انتخابات آزاد، می‌گفتی حاکمیت قانون، آقای هاشمی‌رفسنجانی یک نگاه به دفترش می‌کرد که بباید ببردش دیگر! این دیگر کیست آورده‌اید. اگر امروز به آقای هاشمی‌رفسنجانی این چیزها را بگویند، حداقلش این است که دیگر به رئیس دفترش نگاه نمی‌کند که بباید این را ببرد!**

● **می‌دانید چرا؟ چون پسرش باید ۱۰ سال به زندان می‌افتاد! دخترش باید به زندان می‌افتاد! خودش باید رد صلاحیت می‌شد! حسین مرعشی‌اش می‌افتاد زندان! غلامحسین کرباسچی‌اش باید می‌افتاد زندان! تا بفهمد که حاکمیت قانون یعنی چه!**

● **همه ما فرق کرده‌ایم! مصطفی تاج‌زاده هم فرق کرده! بهزاد نبوی هم فرق کرده! این چیز است که اصولگرایان می‌گویند، می‌گویند شما بریده‌اید، شما منحرف هستید، شما تجدیدنظرطلب هستید، می‌گویند شما رفتید بالای دیوار سفارت، امروز نوکر آمریکا شدید!**

● **اتفاقا درست می‌گویند، چیزی را دارند درست می‌گویند، نوکر آمریکا نشده‌اید؛ اما یک چیز را درست می‌بینید، خیلی از اینها از مواضع سال ۶۰ خود عدول کردند و برگشتند! شما کار سال ۱۳۶۰**

به ابراهیم اصغرزاده می‌گفتی آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، همین ابراهیم اصغرزاده خودمان، به تو می‌خندید! شما اگر به مصطفی تاج‌زاده می‌گفتی حقوق بشر، به تو می‌خندید! این مصطفی تاج‌زاده‌ای شهرویر ۹۵، همان مصطفی تاج‌زاده است؟ بهزاد نبوی همان است؟ موسوی‌خوینی‌ها همان است؟ اولین وجه مشترک آقای هاشمی‌رفسنجانی، بهزاد نبوی، مصطفی تاج‌زاده، سعید حجاریان، ابراهیم اصغرزاده، موسوی‌خوینی‌ها، موسوی‌لاری، همه آنها، خود آقای سیدمحمد خاتمی این است که از رادیکالیسم فاصله گرفته‌اند.

● **می‌گویند تو از خود آنهایی، تو یک جور رسالت داری که مردم را هم همچنان به نظام امیدوار نگه داری؛ بیایی به مردم بگویی در انتخابات شرکت بکنند! یک‌سری هم که می‌گویند شما حامی داری! آقای هاشمی‌رفسنجانی حامی توست! هاشمی اگر می‌توانست حامی کسی باشد، حامی مهدی می‌شد! حامی فائزه می‌شد.**

● **می‌گویند دختر شما عروس آقای دکتر احمد توکلی است و خب بالاخره مناسبات خانوادگی و این چیزها، دستتان همه در یک کاسه است، به ریش همه ما می‌خندید!**

● **نظام‌هایی که امنیتی کار می‌کنند، وقتی چند نفر می‌شوند، نگران آنها می‌شوند؛ ولی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌بیند صادق زیباکلام، صادق زیباکلام است! من نه دعای کبیل می‌روم! نه خانه فامیل می‌روم! نه با دوستان می‌روم! به خیلی از جاها که من را دعوت می‌کنند، هم می‌گویم باشه چشم می‌آیم؛ ولی نمی‌روم! فرق من با تاج‌زاده این است.**

● **یک چیزی وجود دارد که چرا من را نمی‌گیرند؟ عملی این هستش که برای چه او را بگیریم؟ ما می‌توانیم به صادق زیباکلام تلفن بزنیم و بگویم لال شوا! دیگر صادق زیباکلام یک کلام حرف نمی‌زند! ما می‌توانیم یک تلفن به صادق زیباکلام بزنیم و بگویم صادق زیباکلام از فردا نه در شهر، نه در اعتماد، نه در آرمان، نه با فرارو، اصلاً مصاحبه نمی‌کنی، مطلب هم به آنها نمی‌دهی، سخنرانی هم هر کجا دعوت کردی نمی‌روی! آنها می‌دانند که این را از من بخوانند سمعا و طاعتا!**

● **بزرگ‌ترین انتقادی که به**

هاشمی‌رفسنجانی امروز که شهرویر ۹۵ است، از شهرویر ۷۵، از شهرویر ۶۵ و از شهرویر ۵۵ خیلی فاصله گرفته است؛ خیلی چیزها را فهمیده و خیلی چیزها را یاد گرفته! البته حالا دیگر این‌قدر به او نزدیک نیستیم که بدانم میزان دگرگونی‌شان چقدر است!

● **شما اگر سال ۶۵ به آقای هاشمی‌رفسنجانی می‌گفتی آزادی بیان، می‌گفتی انتخابات آزاد، می‌گفتی حاکمیت قانون، آقای هاشمی‌رفسنجانی یک نگاه به دفترش می‌کرد که بباید ببردش دیگر! این دیگر کیست آورده‌اید. اگر امروز به آقای هاشمی‌رفسنجانی این چیزها را بگویند، حداقلش این است که دیگر به رئیس دفترش نگاه نمی‌کند که بباید این را ببرد!**

● **می‌دانید چرا؟ چون پسرش باید ۱۰ سال به زندان می‌افتاد! دخترش باید به زندان می‌افتاد! خودش باید رد صلاحیت می‌شد! حسین مرعشی‌اش می‌افتاد زندان! غلامحسین کرباسچی‌اش باید می‌افتاد زندان! تا بفهمد که حاکمیت قانون یعنی چه!**

● **همه ما فرق کرده‌ایم! مصطفی تاج‌زاده هم فرق کرده! بهزاد نبوی هم فرق کرده! این چیز است که اصولگرایان می‌گویند، می‌گویند شما بریده‌اید، شما منحرف هستید، شما تجدیدنظرطلب هستید، می‌گویند شما رفتید بالای دیوار سفارت، امروز نوکر آمریکا شدید!**

● **اتفاقا درست می‌گویند، چیزی را دارند درست می‌گویند، نوکر آمریکا نشده‌اید؛ اما یک چیز را درست می‌بینید، خیلی از اینها از مواضع سال ۶۰ خود عدول کردند و برگشتند! شما کار سال ۱۳۶۰**

روزنه

اعتراض به نحوه رسیدگی در پرونده سعید مرتضوی

● **۶۵ و ۷۰** ضربه شلاق برای سعید مرتضوی، صدای وکیل سازمان تأمین اجتماعی را درآورده است. مجتبی نظری گفته است نسبت به این حکم اعتراض دارد؛ چراکه در تطبیق جرم با قانون اشتباه رخ داده و درخواست تجدیدنظر خواهد داد. اما این همه ماجرا نیست؛ از سوی دیگر علیرضا محجوب، نماینده تهران و از اعضای فراسیون امید هم گفته چرا دادگاه براساس گزارش تحقیقوتفحص مجلس از سازمان تأمین اجتماعی حکم صادر نمی‌کند. به گفته محجوب گزارش مجلس از تحقیقوتفحص حکم است و نه دادخواست؛ ازاین‌رو لزومی نداشت سازمان تأمین اجتماعی در متضوی طرح شکایت کند. او به همین دلیل هم گفته است اگر مجبور شویم، نسبت به نحوه رسیدگی به پرونده مرتضوی درخواست تفحص می‌دهیم. دهم آبان ماه بود که اعلام شد حکم سعید مرتضوی در رابطه با سازمان تأمین اجتماعی صادر شده است. سعید مرتضوی در موضوع شکایت سازمان تأمین اجتماعی با استناد به گزارش تحقیقوتفحص مجلس از این سازمان، با دو شکایت روبه‌رو بود؛ یکی موضوع انتصاب او به ریاست این سازمان که در گزارش تحقیقوتفحص مجلس غیرقانونی اعلام شده بود و نیز پرداخت‌های ناموجهی که مرتضوی در قالب رئیس سازمان به برخی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، از جمله نمایندگان مجلس و افرادهای در دولت احمدی‌نژاد داشته است. مهم‌تر از آنها، فروش شرکت‌های شستا به بابک زنجانی بوده است. مرتضوی در بخش اول، به رد مال به مبلغ ۴۶ میلیون تومان و یک سال حبس که شش ماه آن تعلیقی است، محکوم شد. سازمان تأمین اجتماعی و متشاکلی به این رأی اعتراض کردند و پرونده برای بررسی نهایی به دیوان عالی رفت و از آنجا به شعبه ۲۲ تجدید نظر ارجاع شد. ولی هنوز منتج به نتیجه نشده است. در بخش پرداخت‌ها که بخش دوم پرونده مرتضوی است، تنها به ۶۵ و ۷۰ ضربه شلاق محکوم شد. حکمی که وکلای تأمین اجتماعی به آن معترض هستند و برخی نمایندگان مجلس را بر آن داشته‌اند تا حتی بخوانند تقاضای تفحص از نحوه بررسی حکم مرتضوی را مطرح کنند. آنها معتقدند دست‌کم موضوع رد مال برای اتهامات مرتضوی باید در حکم لحاظ می‌شد.

مرتضوی باید به رد مال محکوم شود

مجتبی نظری، وکیل سازمان تأمین اجتماعی، دراین‌باره به اینستا گفته است: ریاست محترم کل دادگستری در این قضیه گفتند علت نذرشدن رد مال در حکم این است که سازمان تأمین اجتماعی تقاضا نکرده است؛ یعنی اگر درخواست می‌دادیم، حکم هم صادر می‌شد. وکیل سازمان تأمین اجتماعی ادامه داد: با توجه به اینکه دایت شد آقای مرتضوی حداقل ۳۷ مورد به افراد مختلف پول داده است. آیا منظور این است که ما علیه ۳۷ نفر دادخواست بدهیم؛ یا باید آقای مرتضوی که این پول‌ها را پرداخت کرده است به رد مال محکوم شود. او ادامه داد: طبق ماده ۵ قانون اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری، مصوب سال ۱۳۴۷ درباره رد مال برای متهم به‌صراحت ذکر شده و حتی برای اختلاس بیش از ۵۰ هزار ریال مجازات بازداشت موقت پیش‌بینی شده است و برای این اختلاس حتی تا ۱۰ سال حبس در قانون ذکر شده است. او گفت: بنابراین تطبیق مورد با قانون، بر عهده دادگاه و دادراساست و به نظر ما در تطبیق با قانون اشتباه رخ داده، ما به وظیفه قانونی خود عمل و از رأی دادگاه تجدید نظرخواهی می‌کنیم و نهایتاً امیدواریم دادگستری عدالت را اجرا کند؛ زیرا اجرای عدالت دربراره همه، باعث اعتماد مردم به نظام و جلوگیری از ناس و دلسردی اهل فرهنگ و جامعه حقوق‌دان و به‌ویژه ۴۲ میلیون از اعضای سازمان تأمین اجتماعی می‌شود.

احتمال تفحص از نحوه رسیدگی به پرونده مرتضوی

علیرضا محجوب، از اعضای کمیسیون اجتماعی هم در گفت‌وگو با ایلنا با اشاره به حکم مرتضوی گفت: قانون «آیین‌نامه داخلی مجلس» برای گزارش تحقیقوتفحص ترتیب رسیدگی قائم است؛ ازاین‌رو، باید روشن شود به چه دلیل سازمان تأمین اجتماعی را وادار به شکایت کرده‌اند.او ادامه داد: گزارش تحقیقوتفحص مجلس، دادنامه نیست که قرار بر رسیدگی باشد، بلکه این یک گزارش مصوب است که باید مطابق آن رأی داد و اگر کسی آیین دادرسی برای این موضوع ندارد، قبل از رسیدگی باید مطالبه آیین دادرسی کند. نماینده تهران تأکید کرد: ما که در آن گزارش تحقیقوتفحص اعلام کردیم، این فرد نمی‌توانسته در این جایگاه واقع شود؛ ازاین‌رو، ابتدا باید این موضوع روشن شود که اگر نمی‌توانسته، پس تمام اعمالش جرم است و هر چه تقاضا می‌کند، یک دیگری اعلام جرم کرد، باید جرم ثابت کنند.

گزارش تفحص حکم است نه دادخواست

محجوب با اعلام این موضوع که آنچه در کمیسیون تصویب و در مجلس خوانده می‌شود، حکم یک قانون را دارد، نه حکم یک دادخواست، اضافه کرد: متأسفانه با تمام گزارش‌های تحقیقوتفحص در طول رسیدگی این‌گونه برخورد شده است. معنی ندارد که جمعی از نمایندگان تحقیقوتفحص کنند و گزارشی را ارائه دهند و در پی آن گفته شود رسیدگی در صورت شکایت دستگاه ذی‌ربط است. کسانی که گفتند دستگاه ذی‌ربط باید در این زمینه شکایت کند و قانون‌گذاری کردند، حال پاسخ دهند اگر دستگاه مربوطه شکایت نکرد تکلیف گزارش چیست؟